



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

<http://koran.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

بینامتنی قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه حسین

علی سلیمی^{۱*}، پژمان ظفری^۲

^{۱*} استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمانشاه: ایران.

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمانشاه: ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۰/۰۶/۹

پذیرش نهایی:

۱۴۰۰/۱۲/۰۷

چکیده

طه حسین نویسنده معاصر مصری، در احیای نثر عربی قدیم و پیوند دادن آن با ادب معاصر عربی نقشی برجسته ایفا نموده است. آگاهی گسترده او از میراث قدیم و به ویژه حفظ قرآن کریم در دوران کودکی توسط وی، نقش به سزایی در شکل‌گیری شیوه ادبی او داشته است. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی، بینامتنی قرآنی در اسلوب، ترکیب‌ها، واژگان و موسیقی کتاب «آن روزها» (الایام) او را واکاوی نموده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با تمام شیوه‌های بیانی متنوع آن، بر سبک ادبی وی سایه افکنده است. تاثیرپذیری او از اسلوب و قالب‌های قرآنی، ابعاد گسترده‌ای دارد: استفاده از ساختارهای ترکیبی قرآن، آمیختن چندین اسلوب قرآنی در عبارات، به کارگیری واژگان و اصطلاحات و تاثیرپذیری از فواصل موسیقایی آیات در پایان جملات، از جمله آنهاست. هنر او در این است با ذهن سرشار از محفوظات قرآنی خود، شیوه‌ای نو و سهل و ممتنع در تکرار نثر معاصر عربی پدید آورده است. او توانست برخی از ساختارهای نحوی-زبانی را احیا نماید که در میان نویسندگان معاصر عربی به کلی به دست فراموشی سپرده شده بود.

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، الایام طه

حسین، تاثیرپذیری در

اسلوب واژگان و

موسیقی.

* نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: Salimi1390@yahoo.com؛ zafari6262@gmail.com

استنادی به مقاله:

- سلیمی، علی و ظفری، پژمان (۱۴۰۱). بینامتنی قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه حسین، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال هفتم، شماره

اول (پیاپی ۹)، صص ۶۵-۷۶.

۱. مقدمه

قرآن کریم با زیبایی‌های ساختاری و محتوایش، از همان اوائل نزول، توانست دل‌ها را به سوی خود جذب نماید و تاثیر قابل توجهی در زمینه‌های فکری، فرهنگی و ادبی در جامعه به وجود آورد و زبان عربی را به والاترین مقام بیانی و بالاترین نقطه شیوایی برساند. از جمله عرصه‌هایی که همواره قرآن کریم در آن حضوری مقتدارانه داشته، ادبیات است، چرا که با اعجاز بلاغی و ادبی خود توانسته، ادیبان و شاعران را به سوی گنجینه بی‌پایان اسالیب و مضامین خود بکشاند. نویسندگان و ادیبان زیادی چه در گذشته و چه در دوره معاصر از اسالیب و مضامین قرآن تاثیر گرفته‌اند و امروزه پژوهش‌های زیادی در زمینه‌های «تناسف قرآنی» یا بینامتنی شاعران و ادیبان از قرآن صورت گرفته است، ویژگی عمده انجام گرفته، تحلیل و بررسی اقتباس‌های مستقیم و رایج از آیات قرآنی در آثار شاعران و نویسندگان است، اما آن چه کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، تاثیرپذیری از ساختار و اسلوب قرآنی است که بسی مهم‌تر، عمیق‌تر و هنری‌تر از اقتباس‌های ساده از قرآن است، طه حسین^۱ نویسنده توانای معاصر عرب، به خاطر انس و مصاحبت با قرآن، به وفور از اسلوب و ساختار قرآن در مجموعه کتاب- هایش بهره گرفته است؛ از آنجایی که بررسی تمام آثارش، مجالس بس وسیع‌تر از این مقاله را می‌طلبد، لذا این پژوهش، تنها به بررسی تاثیرپذیری از اسلوب قرآن در سه مجلد کتاب «الایام» (آن روزها) بسنده نموده است.

همان‌طور که بیان شد تاثیرپذیری وی از قرآن به گونه اقتباس‌های مستقیم و رایج در میان دیگر ادیبان و نویسندگان نیست؛ زیرا اگر چنین باشد نمی‌توان اسلوب طه حسین را از دیگر ادیبان متأثر از قرآن، جدا نمود، این مسئله در نزد وی بسی مهم‌تر و هنری‌تر از دیگران تجلی یافته است، بدین معنا که او اسلوب قرآنی را به شکلی هنری، با سبک نگارش خود به هم می‌آمیزد و با آن، ظرفیتی جدید برای خلق نثر ادبی معاصر عربی می‌آفریند که در نوع خود، بهترین، عمیق‌ترین و هنری‌ترین اسلوب در تناسف قرآنی به شمار می‌رود. او چنان آمیختگی میان آیات قرآن و اسلوب بیانی خود ایجاد می‌کند

که به سختی می‌توان عنصر تضمین آیات را در آن متن تشخیص داد. این خلاقیت اسلوبی موجب شده که خواننده میان اقتباس‌های قرآنی وی، و بیان مفاهیم عادی نثر او، هیچ-گونه گسستگی و ناموزونی احساس نکند. نکته‌ای که قابل تأمل است این است که قدرت اثرگذاری بی‌نظیر قرآن با تمام ویژگی‌های ساختاری و موسیقایی آن بر سبک متن او سایه افکنده است، به طوری که می‌توان ادعا نمود که ویژگی اسلوب «سهل و ممتنع» او، ناشی از تاثیرگذاری اسالیب اعجاز‌آمیز قرآن بر سبک نگارش او است.

مظاهر تاثیرپذیری وی از قرآن جوانب متعددی دارد؛ گاهی عبارات و اسالیب قرآنی را برای معنای مورد نظرش همراه با تغییراتی به کار می‌برد، گاهی چندین اسلوب قرآن را یکجا و هم زمان در جملات خود می‌آمیزد، گاهی از اسالیب فواصل آیات قرآنی در انتهای جملات خود بهره می‌گیرد که همین امر، شیوه نویسندگی وی را زیبایی و جذابیت آهنگین بخشیده است، گاهی نیز از واژگان و اصطلاحات قرآنی و اسالیب متنوع حروف آن، به گونه‌ای بهره می‌گیرد که شاید نتوان در نثر دوره معاصر همانندی برای او پیدا کرد. این مقاله بر آن است که به سوال زیر پاسخ بدهد:

بینامتنی اسلوبی با قرآن کریم در «الایام» چگونه متجلی شده که این اثر را با دیگر آثار نثر معاصر عربی متفاوت نموده است؟

۲. پیشینه تحقیق

امروزه تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی در زمینه «تناسف قرآن» (بینامتنی قرآن) صورت گرفته و مقالات متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است که ویژگی عمده این پژوهش‌ها این است که در بیشتر آنها آثار شاعران یا ادیبانی که در آثار خود از آیات قرآن به گونه اقتباس مستقیم و رایج و یا به گونه تلمیح استفاده کرده‌اند، بررسی شده است. اما پژوهش در زمینه تاثیرپذیری اسلوبی از قرآن «تناسف سبکی» که بسی مهم‌تر، عمیق‌تر و اثرگذارتر از نوع اولی است، آن‌چنان که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. صاحب نظران و ناقدان معاصر از زوایای گوناگونی

حسین به زیبایی از جملات و ترکیب‌های میراث گذشته و در صدر آن از قرآن به خوبی در آثارش و به ویژه در کتاب الایام بهره گرفته است (زهران، ص ۵۰-۵۲)

۴) تاثیر پذیری طه حسین از اسلوب قرآنی در کتاب «الایام»

تاثیر اسلوب قرآن در ساختار نگارش کتاب «الایام»، به قدری پررنگ و برجسته است که آن را به گونه‌ای منحصر بفرد از نثر معاصر عربی تبدیل نموده است. با تاکید می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های مهم اسلوب طه حسین در این کتاب، تاثیرپذیری اسلوبی و ساختاری از قرآن کریم است، این ویژگی به این میزان و با این خلاقیت هنری در نثر هیچ نویسنده‌ی معاصر دیگری یافت نمی‌شود.

۱-۴) تاثیر پذیری از اسلوب‌های ترکیبی بلند قرآن طه حسین در سبک نگارش کتاب «الایام»، به گونه زیبا و دلربا، از ساختار جملات بلند قرآن، در فضا و سیاقی که اراده کرده، استفاده نموده است. به عنوان مثال در عبارت ساده زیر که درباره بی‌اعتمادی و عدم اطمینانش به مردم سخن می‌گوید، این مضمون را در قالب اسلوبی قرآنی چنین بیان می‌کند:

«قَدْ ضَرَبَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ الْأَشْيَاءِ حِجَابٌ ظَاهِرُهُ الرِّضَا وَ الْأَمْنُ وَ بَاطِنُهُ مِنْ قَبْلِهِ السُّخْطُ وَ الْخَوْفُ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۱۳)

این ساختار، در قرآن کریم، در بیان موضوعی بسیار مهم در قیامت، درباره حد فاصل و مانعی است که در روز قیامت میان مومنان و کافران ایجاد می‌شود، باطن آن که در جهت مومنان است بهشت، و ظاهر آن که در جهت کافران قرار دارد، عذاب و خشم الهی است:

«يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ» (الحديد ۱۳)

او در جای دیگری از تلاش خود در راه تحصیل سخن می‌گوید و از اینکه تا آن هنگام، این تلاش‌ها فایده‌ای مادی

اسلوب ادبی طه حسین را مورد بررسی و کند و کاش قرار داده‌اند؛ اما تاثیرپذیری وی از اسلوب قرآن، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است که برخی از ناقدان ادب عربی از جمله «بدرای زهران» به صورتی بسیار گذار به پاره‌ای از این تاثیرپذیری در کتاب «اسلوب طه حسین فی ضوء الدرس اللغوی الحدیث» اشاره نموده است. (زهران، ۱۱۱۹: ۵۰-۵۲) این پژوهش، تناسل اسلوبی قرآنی در الایام را واکاوی نموده است.

۳) نگاهی به کتاب «الایام» و ویژگی ادبی آن

کتاب «الایام» طه حسین که در این مقاله سعی بر آن است جوانب تاثیرپذیری آن از اسالیب قرآن، مورد کندوکاش قرار گیرد؛ زندگی‌نامه «السیرة الذاتية» طه حسین، نویسنده روشن دل مصری است که در سه بخش تدوین شده است. این کتاب به گفته خاورشناسان و صاحب‌نظران عرب، از اسناد مهم تاریخی دوران اخیر محسوب می‌شود که مضامین آن انعکاس دهنده عواطف و احساسات ناب انسانی است و قهرمان اصلی آن، خود طه حسین است.

بخش اول کتاب، از دوران کودکی و مشکلات ناینمایی و جامعه مصر بحث می‌کند.

بخش دوم، درباره ماجراهای ورودش به دانشگاه «الازهر» و انتقادهایش از رکود علمی و ادبی این دانشگاه در آن زمان است.

بخش سوم، درباره سفر به فرانسه و بازگشت به مصر و ازدواجش با زن فرانسوی صحبت می‌کند.

درباره سبک ادبی و داستان‌سرایی وی، سخنان زیادی از سخن‌شناسان نقل شده است که گروهی او را ادیبی توانا و از درجه اول به حساب آورده‌اند (ادهم، ۱۹۸۵، ج ۱: ۲۹۸).

گروهی دیگر شیوه نگارش او را منحصر به فرد دانسته‌اند و مدرسه‌ای مستقل در نثر به شمار آورده‌اند (همان) و عده‌ای هم اسلوب او را «سهل و ممتنع» نام نهاده‌اند. (الکاشف، ۱۹۸۷: ۲۱۲) دکتر شوقی ضیف اسلوب او را بسیار شبیه به قدما، به ویژه جاحظ از نظر مواج بودن و لبریز از موسیقی می‌داند (ضیف، ۱۹۷۱: ۲۸۶-۲۸۷). بدرای نیز معتقد است که طه

که برگرفته از اسلوب سخن گفتن حضرت موسی با خضر است. طه حسین در این جا، با الهام از قرآن کریم، تناسبی سبکی، واژگانی و مضمونی در گفتگوی میان استاد و شاگرد را هم به خواننده القا می‌نماید و هماهنگی با آیه شریفه: «قَالَ لَا تَأْخُذْ بِلِمَا نَسِيتَ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» (الکھف: ۷۳) است. او در عبارت زیر، اسلوب قرآنی را جلوی دیدگان خود قرار می‌دهد و منظورش را در قالب آن به تصویر می‌کشد:

«أَتَاخُوه لَه أَنْ يَأْوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ مِنَ الثَّقَافَةِ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۳۷) که متن قرآن چنین است: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ» (هود: ۸۰)

هنر طه حسین در این است که در بسیاری از تناسبات قرآنی خود، میان اسلوب، واژگان و مضمون هماهنگی پدید می‌آورد و معنی مورد نظرش را در سیاقی قرآنی، بیان می‌نماید، او در وصف بیرون رفتن دوستان از قصر و نجوای آنها با هم با الهام از داستان حضرت یوسف، می‌گوید: «خَلَصَ الرَّفَاقُ بَعْدَ أَنْ خَرَجُوا مِنَ الْقَصْرِ نَجِيًّا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۹۲)

این جمله، از نجواها و مشورت‌های فرزندان یعقوب با هم، برای برگرداندن برادرشان به کنعان الهام گرفته است: «فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا» (یوسف: ۸۰) او در جمله زیر، احوال دوستان فقیر خود را بیان می‌کند که چیزی ندارند تا با آن، نیازهایشان را برآورده کنند: «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ لِيُقِيمُوا أَوْدَهُمْ وَيَسْتُرُوا جَسْمَهُمْ» (همان، ج ۳: ۱۰۰) که الهام از آیه زیر است که در آن، بحث فقیرانی مطرح است که چیزی ندارند تا در راه خدا انفاق کنند: «وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ» (التوبة: ۹۱)

او در جای دیگر، درباره دو تن از دوستانش که وی را وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافشان قرار داده‌اند، می‌گوید: «وَابْتَغُوا بِهِ إِلَيْهِمَا الْوَسِيلَةَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۶۶) «وَمَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَتَّبِعِي إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (همان، ج ۳: ۴۷)

در بر نداشته، گلایه‌مند است. وی از اینکه سربار دیگران شده، ناراحت و اندوهگین است:

«وَإِلَى أَنْ يُصِيحَ آخِرَ الْأَمْرِ كَلًّا عَلَى أُسْرَتِهِ أَيَّمَا تَوَجُّهَهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ.» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۷۲)

در قرآن کریم، خداوند در بیان هدایت و گمراهی، دو نمونه انسان را مثل می‌زند، یکی از آنها گنگ و لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید، او سربار صاحبش شده، هر جا که او را می‌فرستد، خیری به همراه نمی‌آورد، اما دیگری، انسانی توانمند است که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجَّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ» (النحل: ۷۶)

در نمونه زیر، شباهت ساختاری از قرآن مشاهده می‌شود، هر چند از اقتباس واژگانی، اثری دیده نمی‌شود: «كَانَ شَاكِبَ اللَّوْنِ مُهْمَلِ الزِّيِّ، أَقْرَبَ إِلَيَّ الْفَقْرِ مِنْهُ إِلَيَّ الْغِنَى» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۱۴۸)

اودر جای دیگری از همین اسلوب زیبا استفاده می‌کند: «فَقَدْ كَانَ يَتَحَدَّثُ فِي صَوْتِ هُوَ إِلَى الْخَفُوقِ، أَقْرَبَ مِنْهُ إِلَيَّ الْجَهْرِ.» (همان ج ۲: ۵۶)

اسلوب بیانی فوق که برگرفته از قرآن کریم است و در نثر معاصر عربی به کلی به دست فراموشی سپرده شده است، توسط طه حسین، با الهام از آیه شریفه زیر احیا شده است: «هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ» (آل عمران: ۱۶۷) او در جای دیگری، مقصود و توصیه استادش را این گونه در قالب ساختار قرآنی بیان می‌کند: «لَا تَحْضُرُهُ مِنْ عَامِكْ هَذَا فَإِنَّ الْقَوْمَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لَيْسَقُوكَ» (همان، ج ۳: ۱۱۳)

سیاق، مضمون و اسلوب بیانی جمله، الهام گرفته از قرآن است، آن جا که درباره مردی سخن می‌گوید که خبر توطئه برای کشتن حضرت موسی از طرف قوم فرعون را به او رساند:

«قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيُقْتُلُوكَ» (القصص: ۲۰) او در جای دیگر، درباره مشکلات نگاشتن کار پایان نامه‌اش چنین می‌گوید: «ذَلِكَ الَّذِي أَرْهَقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۳۰)

توانایی و هنر آفرینی طه حسین در بهره‌گیری از ترکیب‌های بلند قرآنی، تنها به یک ترکیب خلاصه نمی‌شود؛ گاهی به طور هم زمان از چندین ساختار قرآنی در کتاب‌هایش به ویژه در کتاب «الایام» استفاده کرده است که در این جا، به طور خلاصه به چند نمونه اشاره می‌گردد:

او در متن زیر، با وام‌گیری واژگانی و اسلوبی از چندین ترکیب قرآنی، ارتباط خود با برادرش و اختلاف پدید آمده با او را به تصویر می‌کشد:

«عَلَىٰ أَنْ الْأَيَّامِ أَبَتْ إِلَّا أَنْ تَشُقَّ عَلَيْهِ وَتَرْهَقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا، فَقَدْ كَانَ يَعِيشُ مَعَ أُخِيهِ عَيْشَةَ رَاضِيَةٍ عَلَىٰ مَا فِيهَا مِنْ قَسْوَةٍ وَ مَشَقَّةٍ... لَكِنَّهُمَا مَا يَلْبِثَانِ أَنْ يَخْتَلِفَا... يَسْكُنُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي مَنْزِلٍ غَيْرِ الَّذِي يَسْكُنُهُ أُخُوهُ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۸۲)

متن فوق، آمیختگی از سه اسلوب مختلف قرآن است. در ابتدا عبارت: «تَرْهَقَهُ مِنْ أَمْرِهِ عُسْرًا» برگرفته از آیه:

«وَلَا تَرْهَقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا» (الکهف: ۷۳) است و عبارت: «عَيْشَةَ رَاضِيَةٍ» از آیه «فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ» (القارعة: ۷)

اتخاذ شده است و عبارت سوم: «يَسْكُنُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي مَنْزِلٍ غَيْرِ الَّذِي يَسْكُنُهُ أُخُوهُ» برگرفته از قالب و اسلوب آیه: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ» (الأعراف: ۱۶۲) می‌باشد.

در نمونه زیر که وصف زندگی نویسنده در فرانسه است، توانمندی وی در بهره‌گیری از اسالیب متعدد قرآنی به خوبی جلوه گر است:

«كَانَ غَرِيبًا فِي فَرَنْسَا وَ كَانَ يَرَىٰ أَنْ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ حَيَاةِ النَّاسِ لَيْسَ إِلَّا ظَوَاهِرًا لَا تَكَادُ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا وَ كَانَتْ الطَّبِيعَةُ بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ كَلِمَةً يَسْمَعُهَا وَ لَا يَعْقِلُهَا كَأَنَّمَا أُغْلِقَ مِنْ دُونِهَا بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ بَابٌ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۱۴)

در این عبارات، چهار ساختار قرآنی نمایان است: «حياة الناس ليس إلا ظواهرًا» برگرفته از آیه: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (الروم: ۷) است و عبارت: «لَا تَكَادُ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا» از آیه «إِذْ قَالَ لِأَيُّهَا يَا أَبَتِ لِمَ تَتَّبِعُ مَا لَا يَشْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مريم: ۴۲) می‌باشد و عبارت: «لَا يَعْقِلُهَا» و استفاده از چنین تعبیری در

این ساختار و مضمون برگرفته از آیه زیر است که مفهوم آن، تشویق مومنان به انجام عمل صالح می‌باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (المائدة: ۳۵)

در اسلوب داستان‌نویسی طه حسین، نمونه‌های فراوانی از تاثیرپذیری ترکیبی قرآن یافت می‌شود که نمونه برجسته دیگری را می‌توان در عبارت زیر مشاهده نمود: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ حَرِيصًا عَلَىٰ أَنْ لَا تَبْطُلَ صَلَاتُهُ فَلْيَتَّبِعْنِي» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۸۳) این جمله برگرفته از آیه زیر است:

«فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (البقرة: ۱۸۴)

او در جای دیگر، به شکلی ترکیبی از سیاق، واژگان و اسلوب قرآنی استفاده کرده است: «قَدِمَ إِلَيْهِمْ مِنْ طَيِّبَاتِ الطَّعَامِ مَا لَمْ يَكُنْ لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۴۰)

با اندک تأملی در این ساختار، موجی از واژگان و ساختار قرآن نمایان می‌شود، چرا که در ابتدا واژه «طَيِّبَاتِ» که به صورت جمع آورده شده، واژه قرآنی است:

«كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (البقرة: ۵۷) و عبارت «لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ» نیز برگرفته از اسلوب آیه: «وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (الأعراف: ۱۰۲) می‌باشد.

او در مثال زیر که بحث امتحانات خودش را در دانشگاه به تصویر می‌کشد، تعبیر و ساختار قرآنی را برای بیان مقصود خود برگزیده است:

«وَ جَزَتْ رِيحُ الْإِمْتِحَانِ لَهُ رُخَاءً حَتَّىٰ رَفَعَتْ الْجَلْسَةَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۲۹)

که الهام از داستان حضرت سلیمان است که خداوند باد را به تسخیر او در آورده بود و به هر کجا که می‌خواست، باد به آرامی به آنجا می‌وزید:

«فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص: ۳۶).

۲-۴) هنر‌نمایی در آمیختن چندین اسلوب قرآنی

برای کافران است: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (الاسراء: ۸۲)

در عبارت‌های زیر، به روشنی می‌توان هنرنمایی نویسنده در استفاده از واژگان، اسلوب و موسیقی قرآنی را مشاهده نمود: «بعد أن مضى على وصول الأسرة وقت غير قصير» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۷۸)؛ «كان مژوداً بمقدار من الشقاء غير قليل» (همان، ج ۳: ۹۹)؛ «وما كان يغلبه النوم إلا قليلاً» (همان، ج ۱: ۹)؛ «أسرعت الأسرة إلى طعامها ولم تصب منه إلا قليلاً» (همان، ج ۱: ۹)؛ «يصب عليهم هراءه هذا بغير حساب» (همان، ج ۲: ۴۶)

در ساختار و واژگان جملات مذکور، ذهن نویسنده که سرشار از محفوظات قرآنی بوده، از آیات زیر الهام گرفته است:

«وَأَزَلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» (ق: ۳۱)؛ «فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ» (النمل: ۲۲)؛ «عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرَ يَسِيرٍ» (المدثر: ۱۰)؛ «وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء: ۱۴۲)

او علاوه بر به کاربردن واژگان قرآنی، با تکرار صفات در جملات پایانی متن خود، یک نوع آهنگ و موسیقی در نثر معاصر عربی خلق نموده است.

«أَلَسْتَ تَرَى فِيمَا حَلَّ بِشَيْخِنَا ظُلْمًا وَعُدْوَانًا» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۵۲) این شیوه بیانی الهام از قرآن کریم است: «فَقَدَّ جَاؤُوا ظُلْمًا وَزُورًا» (فرقان: ۴)؛ «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا وَظُلْمًا» (النساء: ۳۰)

او در جای دیگری در وصف تواضع خود در برابر استادانش می‌گوید: «فَيَمْتَلِي لَهَا قَلْبُهُ رَهْبًا وَرَغْبًا» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۹) و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَدْعُونَنا رَغْبًا وَرَهْبًا» (الانباء: ۹۰)

از موارد دیگری که در انتهای جملات کتاب «الایام» بسیار دیده می‌شود، به کاربردن واژه «شیئا» است که یک واژه و اسلوب قرآنی است. عبارت زیر که مضمون آن، درباره یکی از استادان طه حسين است، این گونه خاتمه می‌یابد: «وَلَمْ يُفِدْ مِنْهُ شَيْئًا» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۳۴) که الهام از متن قرآنی است: «وَلَمْ تَطْلُمِ مِنْهُ شَيْئًا» (الکھف: ۳۳)

در عبارات زیر، طه حسين درباره موفقیت درسی خویش سخن می‌گوید، اما آن از یک معنای قرآنی الهام گرفته است

آیه: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (العنكبوت ۴۳) نمایان می‌شود و در نهایت، عبارت: «أَغْلِقِ مِنْ دُونِهَا بِالْقِيَاسِ إِلَيْهِ بَابٌ» برگرفته از آیه: «لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا» (الکھف: ۹۰) است. وی در جای دیگری، در شرح سفر خود به فرانسه، اوج توانمندی خود را در بهره‌گیری از اسلوب بیانی قرآن را نشان داده است: «يَنْظُرُ فَإِذَا هُوَ يَهْبِطُ مَعَ الْهَابِطِينَ» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۳۳) در این جا، ابتدا از نظر واژگان، از آیه: «وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ» (البقرة: ۳۶) اقتباس شده است و از لحاظ ساختار جمله، از اسلوب «اذا» فجائیه قرآنی و آیه: «وَأَزْكَوْا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (البقرة: ۴۳) استفاده کرده است.

۳-۴) تاثیرپذیری اسلوبي از فواصل آیات

طه حسين در اسلوب داستان‌نویسی خود، از قرآن به شکل‌های مختلف و متنوعی بهره گرفته است؛ یکی دیگر از ابعاد تاثیرپذیری وی، از فواصل موسیقایی قرآن است که اسلوب داستانی وی را بیش از پیش، پویا و آهنگین ساخته است؛ به عبارتی دیگر طه حسين نه تنها در قلب متون داستانی خویش، از اسلوب قرآن استفاده می‌کند؛ بلکه در پایان عبارات خود نیز از فواصل و ساختار پایانی آیات بهره می‌گیرد. او در بسیار از موارد، برای ختم جملات خود از فواصل آیات استفاده می‌کند، در این جا به ذکر نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌گردد. او در متن زیر، در شرح گفتگوی خود با مادرش، با استفاده از اسلوب و واژگان داستان حضرت موسی در قرآن کریم می‌گوید: «حِينَ سَمِعْتُ أُمَّي تُنَادِينِي، فَالْتَفْتُ فَإِذَا هِيَ قَائِمَةٌ تَسْعَى» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۹۵)

در داستان حضرت موسی و عصای او که تبدیل به ماری شتابان شد، آمده است: «فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى» (طه ۲۰) او در جای دیگر، در وصف شرم و حیای خود، به هنگام خوردن غذا می‌گوید: «فَلَا يَزِيدُهُ ذَلِكَ إِلَّا اضْطِرَابًا وَاجْتِلَاطًا» (طه حسين، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۵۱)

این شیوه بیان، ملهم از آیه زیر است که مضمون آن درباره شفاعت این کتاب آسمانی برای مومنان و زیانمندی

خطاب به مومنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (الممتحنة ۱)

او همچنین از برخی اسلوب‌های رایج در نثر معاصر آشنایی‌زدایی می‌کند و به تقلید از اسلوب قرآنی یک ساختار نحوی کهن را احیا می‌نماید، عبارت زیر نمونه‌ای از آن است: «كَانَتْ قِيُودُهَا شِدَادًا ثَقَالًا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۸۹) آنچه که در وصف جمع غیر عاقل در نثر معاصر غالباً رایج و معمول است، به کاربردن آن را به صورت مفرد مونث است، مثلاً گفته می‌شود: «قیودها شديدة ثقيلة» اما طه حسین به پیروی از اسلوب قرآنی، آن را مانند آیه مبارکه «حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا» (الأعراف: ۵۷) صفت را با جمع مکسر آورده است.

او همچنین در سبک نگارش خویش، واژگان قرآنی را بر واژگان رایج و معمول ترجیح می‌دهد: «إِنَّمَا كَانَ يَتَّخِذُ الْجِيَادَ وَالْبَعَالَ وَالْحَمِيرَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۸۹) استفاده از واژه «حمیر» به جای واژه رایج حمار، کاملاً تاثیرپذیری از اسلوب قرآن را نشان می‌دهد. وَالْحَيْلُ وَالْبَعَالُ وَالْحَمِيرَ لِيَتَرَكِبُوهَا وَزِينَةً (النحل ۸)

او در اصول نگارش خود از واژگان فخیم و محکم قرآنی فراوان بهره می‌گیرد، این امر، سبب فخامت و اصالت متون ادبی وی گردیده است: «فَبِهَتِ الْفَتَى حِينَ سَمِعَ هَذِينَ الْإِسْمِينَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۳۳)؛ يَتَجَبَّهِنَّ الْفَتَى لِأَنَّهُمْ لَمْ يَكُنْ يَعْرِفُ لُغَةً أَعْجَبِيَّةً (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۴۳) عبارتهای مذکور ملهم از آیات شریفه زیر است: «فَبِهَتِ اللَّذِي كَفَرَ» (البقرة: ۲۵۸)؛ «وَيَتَجَبَّهِنَّ الْأَشْقَى» (الأعلى: ۱۱)

با تامل در تراکیب فوق، روشن است که وی واژه مجهول «بُهت» را با همان ساخت قرآنی در مضامین خود به کار برده است، همچنین استفاده از واژه «يَتَجَبَّهِنَّ» در متن نمونه دیگری از اقتباس واژگانی از قرآن را نشان می‌دهد: او در جای دیگری این چنین از واژگان قرآنی اقتباس می‌کند:

(و يَبْأُونَ بِدُرُوسِهِمْ وَ طَلَابِهِمْ عَنِ الْأَزْهَرِ) (ج ۳ ص ۷۵)

که درباره اطاعت از خداوند رستگاری ناشی از آن است: «رَعِمَ أَنَّهُ قَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۹) که این عبارت ملهم از آیه شریفه زیر است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ قَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (الأحزاب ۷۱)

این گونه موارد در «الایام» فراوان به کار رفته که در این جا تنها به ذکر چند نمونه دیگر از آنها اکتفا می‌کنیم:

- «فَهُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ يُصْبُ عَلَى الْجِسْمِ فِي الْبَيْتِ صَبًّا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۹۵) متن قرآنی: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا» (عبس: ۲۵)

- «فَيَنْقُضِي مَعَهُ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۰۴)؛ متن قرآنی: «وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَسُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ» (یونس: ۴۵) متن قرآنی: «وَتَرْتَرُّقُ مِنْ نَشَاءٍ بَغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۲۷)

- «تَتَجَنَّبُ الْإِيذَاءَ وَ مَا وَجَدَتْ إِلَى ذَلِكِ سَبِيلًا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۱)؛ متن قرآن: «وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (النساء: ۸۸)

۴-۴) تاثیرپذیری از ساختار عبارات کوتاه قرآنی

ارزش هنری و ادبی اثر طه حسین، در گرو تاثیرپذیری‌های متنوع و گوناگون او در همه سطوح: واژگانی، اسلوبی و موسیقایی از قرآن کریم است. وی همان طور که از ساختار جملات بلند قرآنی استفاده نموده، از اصطلاحات کوتاه و واژگان قرآنی که یک نوع آشنایی‌زدایی در نثر عربی معاصر به شمار می‌رود، الهام گرفته و آنها به نثر معاصر تبدیل نموده است که در این جا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌گردد. از ویژگی‌های منحصر به فرد نثر طه حسین که یک نوع «آرکائیسیم» (کهن‌گرایی) با اصالت است، به کارگیری برخی صیغه‌ها و واژگان قرآنی است که اکنون در میان نویسندگان معاصر رایج نیست. به عنوان مثال به کار بردن واژه مفرد «عدو» به جای «أعداء» در عبارت «وَ اتَّخَذَهُمْ لِنَفْسِهِ عَدُوًّا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۸) متأثر از اسلوب قرآنی است که خداوند دربارهٔ بت‌ها، از زبان حضرت ابراهیم می‌فرماید: «فَأَنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء: ۷۷) همچنین خداوند

در شرح موانع بر سر راه آموزش و کینه برخی نست به دیگران می‌گوید: «وَحِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ التَّلِيمِ فِي الْجَامِعَةِ أَعْوَاماً (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۲۲) «لَكِنْ بَعْضُهُمْ لِرُؤْمَلِهِمْ مِنْ طَلَابِ الْأَزْهَرِ زَادَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً» (همان ج ۳ ص ۱۸) که این عبارت‌ها برگرفته از اسلوب آیات مبارکه: «وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ» (سبأ: ۵۴) و يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً (آل عمران: ۱۳۰) است. او در نشر معاصر عربی، واژگان و اسلوب‌هایی را زنده نموده که به کلی فراموش شده بودند. به کار بردن اصطلاح «رَأَى الْعَيْنَ» در عبارت زیر نمونه‌ای از آنهاست: «كَانَ تَلَامِيذُ الشَّيْخِ يَرَوْنَ مِنْهُ ذَلِكَ رَأَى الْعَيْنَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۶۲)؛ این مفهوم الهام گرفته از آیه شریفه: «وَأَخْرَجَى كَافِرَةً يَرُؤْنَهُمْ مَثَلِيهِمْ رَأَى الْعَيْنَ» (آل عمران ۱۳) است. او در جای دیگر، در بیان فرار رسیدن زمان اجازه گرفتن، می‌گوید: «حتى أوشكت الأجازة أن تبُلغ أجلها» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۸۰) و در قرآن کریم در وصف قیامت، از این تعبیر استفاده شده است: «وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَقَّى مِنَ قَبْلِ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُسَمًّى» (الغافر: ۶۷)

او در موارد دیگر، در بیان طولانی شدن زمان خاطراتش، می‌گوید: «فَهُوَ يَذْكُرُهَا بَعْدَ أَنْ طَالَ عَهْدُهُ بِهَا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۱۵)؛ در قرآن کریم نیز مدت زمان رفتن حضرت موسی به کوه طور و برگشتنش به میان قوم خود را با همین تعبیر بیان شده است و او با حالت تعجب، از قوم خود می‌پرسد: آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامیده است که این چنین از راه راست منحرف شده‌اید؟ «أَفَطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ» (طه ۸۳)

او در جای دیگر، برای بیان پاره‌ای از روز، از شیوه قرآنی بهره می‌گیرد؛ مضمون متن زیر درباره مطالعه خانواده‌اش در طول شب و روز را بیان می‌کند:

«فَيَعْكُفُوا عَلَيْهَا نَهَارَهُمْ وَأَطْرَافاً مِنْ لَيْلِهِمْ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۷۵) مضمون آیه قرآن درباره تسبیح گویی خداوند از طرف مؤمنان در پاره‌ای از روز است: «وَمِنْ أَنْاءِ اللَّيْلِ فَسَبَّحُوا بِحَمْدِ اللَّهِ رَبِّهِمْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ» (طه: ۱۳۰)

از تعابیر زیبای دیگر طه حسین و تاثیرپذیری وی از قرآن، به کار بردن تعابیر «بعض یوم» یا «بعض شهر» و... در

واژه «يُنَاوُونَ» واژه‌ای قرآنی است که در آیه مبارکه با همان صیغه مضارع به کار رفته است: «وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ» (الأنعام: ۲۶)

از دیگر موارد تاثیرپذیری طه حسین از واژگان قرآنی، واژه «خَيْلٌ» با متعلق آن، یعنی حرف جر «إِلَى» است که به طور فراوانی از این ماده فعلی در متون خود استفاده می‌کند. مثال زیر که درباره دوران کودکی خود و رفتن به مکتب خانه بحث می‌کند، نمونه‌ای از این کاربرد است: «وَهُوَ يَلْهُو بِذَلِكَ وَيَبْعَثُ بِهِمْ وَبِكِتَابِهِمْ وَبِسَيْدِنَا وَكَانَ قَدْ خَيْلَ إِلَيْهِ أَنْ الْأَمْرَ قَدْ ابْتَسَتْ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۶۳) در قرآن کریم، در داستان حضرت موسی، در باره ساحران که در برابر او با عصا و طناب به سحر پرداختند، آمده است:

«قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعَصِيْبُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» (طه: ۶۶)

او برخی از کلمات را در سیاق و معنایی به کار می‌برد که بسیار اندک امروزه از آن استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال واژه «اتَّخَذَ» به جای واژه «وَضَعَ» در این متن است: «وَلَيْسَ الْفَتَى الْأَزْهَرِي ثِيَابَهُ الْجَدِيدَةَ وَاتَّخَذَ فِي هَذَا الْيَوْمِ عِمَامَةً خَضْرَاءَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۷۰)

در این مثال، واژه «اتَّخَذَ» برای عمامه بر سر نهادن استعمال شده است در حالی که برای این معنی در نشر معاصر، غالباً از واژه وَضَعَ استفاده می‌شود. او در جای دیگر، واژه «اتَّخَذَ» را به جای «اخْتَارَ» قرار داده و می‌گوید:

«كُلُّ ذَلِكَ لِأَنَّ الْفَتَى الْأَزْهَرِي قَدْ اتَّخَذَ فِي الْيَوْمِ خَلِيفَةً وَ مَا بِاللَّهِ اتَّخَذَ خَلِيفَةً دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الشَّبَابِ؟» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۷۱) این کاربرد ملهم از اسلوب قرآنی است که برای بیان معانی زیادی از واژه «اتَّخَذَ» استفاده می‌کند: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (التوبة: ۳۱)

او در جای جای متون ادبی و داستانی خود، به ویژه در کتاب «الایام» از اصطلاحات و اسلوب قرآنی به طور زیبایی استفاده کرده است. نمونه‌ای از این اثرپذیری است: «فَتَجِدُونَ مِنْهُ إِعْرَاضاً وَ صُمْتاً حَتَّى ظَنُّوا بِهِ الظُّنُونُ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۰۰) که عبارت «ظَنُّوا بِهِ الظُّنُونَا» برگرفته از آیه مبارکه: «وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا» (الأحزاب: ۱۰) است. او در جای دیگر،

۴-۵) تأثیرپذیری از اسلوب متنوع کاربرد حروف در قرآن کریم

طه حسین در نگارش داستانی خود، از اسلوب‌های متنوع قرآنی بهره برده است. نقش پرننگ حروف در پیوند تراکیب و جملات کتاب «الایام» نمونه‌ای از آن است که در این جا به برخی از این تأثیرپذیری اشاره می‌گردد:

- حرف «ثم»

او در عبارت زیر که مجلس خود را با جوانان به تصویر می‌کشد به تقلید از اسلوب قرآن، پی‌درپی از حرف ثم در عبارات خود استفاده می‌کند:

«كَانَ صَحْكُهُ غَرِيْبًا مُضْحَكًا إِنْ جَازَ هَذَا التَّعْيِيْرُ فَقَدْ كَانَ يَبْدُوهُ عَالِيًا ثُمَّ يَقْطَعُهُ وَيَضْحَكُ صَامِتًا لِحِظَةٍ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُهُ عَالِيًا ثُمَّ يَقْطَعُهُ وَيَمْضِي فِيهِ صَامِتًا ثُمَّ يَسْتَأْنِفُهُ...» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۵۶)

در این متن، ملاحظه می‌شود که حرف ثم در افاده معانی که بحث آن خندیدن و سکوت است، فراوان به کار رفته است؛ در این مورد علاوه بر شباهت ساختاری از نظر محتوا نیز تا حدودی مانند قرآن در آوردن صفتی و سپس نفی آن، عمل نموده است، چرا که موضوع آیه، بحث آیمان آوردن و کافر شدن است و متن فوق، بحث خنده و سکوت پی‌درپی است «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (النساء: ۱۳۷)

- «لام قسم» (لام موطنه للقسم)

او در جای دیگری از کتاب «الایام» از ساختار لام موطنه قسم و جواب آن به مانند اسلوب قرآن استفاده کرده است. در متن زیر بحث اضافه کردن مواد درسی به مواد دروس دانشگاه الأزهر است، بدین منظور که اگر دروسی اضافه نگردد، شرح کافی که خود شارح آن بوده و بعدها دوست نداشت به او منسوب شود، به او منسوب می‌گردد: «لَئِنْ لَمْ يُضَفِّ إِلَيَّ الْمَقْرَّرَ دَرُوسًا لِيُنْسَبَنَّ إِلَيْهِ الشَّرْحُ الْكَافِي» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۳۹)؛ متن قرآن کریم درباره ابراهیم (ع) است آنگاه که مشتاقانه در این هستی بی‌کران به دنبال شناخت خداوند سبحان بود:

معنای نصف روز یا نصف ماه است، چنین تعبیری نیز به طور یقین برگرفته از اسلوب قرآن است: «وَقَدْ كُفُّوا عَنِ الْغَيْبَةِ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۲: ۱۳۳)

«لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ فِرَاقِ هَذِهِ الْبَيْئَةِ كُلِّهَا إِلَّا شَهْرٌ أَوْ بَعْضُ شَهْرٍ.» (همان، ج ۱: ۶۶) متن قرآنی چنین است: «قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (البقرة: ۲۵۹)

او در جای دیگری عبارت «سَفَرًا قَاصِدًا» را از قرآن وام می‌گیرد و در عبارات خود به گونه زیبایی این اصطلاح بی‌مانند را به کار می‌گیرد: «وَكَانَ سَفَرًا غَيْرَ قَاصِدٍ فِيهِ كَثِيرٌ مِنْ جَهْدٍ وَفِيهِ شَيْءٌ مِنْ خَطَرٍ أَيْضًا» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۳) این واژه در قرآن کریم چنین به کار رفته است: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَأْتَبَعُوكَ» (التوبة: ۴۲)

او در جای دیگر، به پیروی از قرآن، از اصطلاح «الْحَوْضُ فِي الْحَدِيثِ» استفاده می‌کند: «وَحَالًا لِلِاسْتَاذِ وَتَلْمِيْذِهِ... فَخَاصَّتْ فِي بَعْضِ الْحَدِيثِ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۲۹)

«خَاضَ الشَّيْخُ فِي حَدِيثِ الْجَبْرِ وَالْإِخْتِيَارِ» (همان، ج ۳: ۳۵)

در آیه مبارکه چنین آمده است که مضمون آن این است، هر گاه کافران آیات خدا را مورد تمسخر قرار دادند و آن را به بازیچه گرفتند، با چنین کسانی ننشینید تا آنگاه که به سخن دیگری بپردازند: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ» (النساء: ۱۴۰)

از دیگر ساختارهایی که طه حسین در اسلوب داستان‌نویسی خود به کار می‌گیرد، به کاربرد صیغهی «یأبی» با «ألاً» استثنایه است که در این اسلوب نیز، از قرآن وام‌گیری نموده است:

«وَيَأْخُذُ الْفَتَىٰ فِي حِوَارِ الشَّيْخِ عَلَيَّ عَادَةَ الْأَزْهَرِيِّينَ، فَيَسْمَعُ الشَّيْخُ لَهُ وَ يُرَدُّ عَلَيْهِ رَدًّا لَا يَقْنَعُهُ، وَيَأْبَى الْفَتَىٰ إِلَّا اللَّجَاجَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۳۵) در قرآن کریم چنین آمده است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ» (التوبة: ۳۲)

او در جای دیگر، از همین اسلوب زیبا استفاده نموده و جواب لولا را با توجه به قرینه ما قبل، حذف کرده است: «لَقَدْ كَادَتْ تَفْعُ الْكَارِثَةَ لَوْلَا أَنْ تَوَسَّطَ الْقَطْبُ الْمُتَوَلَّى بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهِ، فَصَرَفَ عَنِ النَّاسِ هَذَا الْبَلَاءَ وَاحْتَمَلَ عَنْهُمْ أَوْزَارَهُمْ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۱۰۹) این اسلوب، رابطه بینامتنی با این آیه مبارکه دارد: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَصَوَّرَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ» (یوسف ۲۴) که در آن جواب لولا با توجه به قرینه ما قبل آن، حذف شده است.

۵) نتیجه‌گیری

از آن چه بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید: طه حسین، با آگاهی گسترده و ژرف از میراث عربی قدیم و به ویژه با ذهن سرشار از محفوظات قرآنی خود، شیوه‌ای منحصر به فرد در نگارش نثر معاصر عربی پدید آورده است. کتاب «آن روزها» (الایام) وی که شرح حال زندگی آمیخته به درد و رنج خود اوست، نمونه‌ای عالی و مصداق بارز این اسلوب نویسندگی است. بینامتنی قرآنی او محدود به اقتباس‌های ساده و تلمیح‌های عادی از قرآن کریم، چنان که غالباً متداول است، نمی‌شود، بینامتنی قرآنی وی، بسیار متنوع، هنرمندانه و خلاق است و با نویسندگان دیگر به کلی متفاوت است. او با تأثیرپذیری از ساختار و اسلوب بیانی در جملات، گزینش و استعمال واژگان فخیم و محکم و به کارگیری فواصل موسیقایی آیات، نثر کهن عربی را احیا نمود و شیوه‌ای نو در نگارش نثری سهل و ممتنع با ویژگی جدید-قدیم پدید آورده است.

«قَالَ لَنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ»
(الأنعام: ۷۷)

- جمله‌ی پس از «إِنَّ»

گاهی حرف إِنَّ با «اسم موصول» به گونه‌ای استعمال می‌شود که از آن می‌توان به نوع خبرش پی‌برد، طه حسین از این اسلوب در سبک نویسندگی خود، استفاده نموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُرَاقِبُونَ تَهْرِبَ الْحَشِيشِ سَيْرَاقِبُونَ تَهْرِبَ الْأَسْلِحَةِ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۴۲) این نوع اسلوب برگرفته از اسلوب قرآنی زیر است: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ» (الغافر: ۶۰)

- «ما» نفی با «حتی»

در جای دیگری طه حسین ما نفی را با فعل «زال» و بعد از آن با حرف حتی، به کار گرفته است که برگرفته از اسلوب قرآن است. او در بیان ارتباط با مادرش می‌گوید: «فَمَا زَالَتْ بِكَ حَتَّى هَدَأَ رَوْعُكَ» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۱: ۱۴۷) در متن قرآنی، بحث هلاک نمودن امت‌های گذشته را بیان می‌کند: «فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» (الأنبياء: ۱)

- جمله‌ی پس از «لولا»

طه حسین او در موارد بسیاری از اسلوب «لولا» همراه با جوابش به شیوه ساختار قرآنی استفاده کرده است که برخی از مثال‌های آن به نمونه در ذیل ذکر شده است. در این عبارت که سخن از شرم و حیا در برابر دوستان و همسرش را به تصویر می‌کشد، این چنین از اسلوب قرآنی لولا همراه با جواب آن پیروی می‌کند:

«و لولا فضل من شجاعة و استحياء من الرفاق و من زوجة التي كانت تشهد الامتحان و من سائر النظارة لاصطكت أسنائه ذعراً و هلعاً» (طه حسین، ۱۱۱۹ ق، ج ۳: ۱۲۹) آیه قرآن: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۴)

پی‌نوشت

۱ - طه حسین نویسنده توانمند مصر در سال (۱۸۸۹م) در روستای عزبه از کشور مصر، دیده به جهان گشود؛ او که هفتمین فرزند خانواده اش بود (حسین، ۱۱۱۹: ج ۱ ص ۳) در سن سه سالگی قدرت بینایی‌اش را از دست داد، اما خداوند به او هوش و استعداد وافر عطا نمود و همین هوش او زبازرد خاص و عام شد. پدرش وی را طبق رسم آن روزگار به مکتب خانه فرستاد تا اصول قرائت قرآن را بیاموزد، و توانست در مدت کوتاهی تمام قرآن را حفظ کند. خودش در این باره چنین می‌گوید: «هنوز به سن سه سالگی نرسیده بودم که بسیاری از دعاها و اشعار قدیمی و سرود های صوفیانه و تمام قرآن را حفظ نمودم.» (همان: ص ۲۷). در سن چهارده سالگی به فراگیری دروس دینی و زبان بیگانه پرداخت و اولین فعالیتش را با روزنامه نگاری آغاز کرد و از این به بعد به تحقیق و پژوهش درباره ادبیات کهن زبان عربی مشغول شد و سرانجام در سال (۱۹۱۴م) از پایان نامه دوره دکترای خود زیر عنوان «جایگاه ابو العلاء المعری در ادبیات عرب» دفاع کرد. در آن زمان دانشگاه ملی مصر او را با هیأتی از اساتید، روانه کشور فرانسه نمود و در آنجا با ادبیات فرانسه آشنا شد. در سال (۱۹۳۶م) به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاه مصر، شروع به تدریس نمود و در همین اثنا کتاب فی الشعر الجاهلی را به رشته تحریر در آورد که در آن، به جعلی بودن بسیاری از اشعار جاهلی اشاره کرده بود و سبب جنجال زیادی در کشورهای عربی شد. او مشاغل و مناصب فراوانی در کشور مصر عهده دار شد و در سال (۱۹۵۰م) وزیر آموزش و پرورش شد و سرانجام در سال (۱۹۷۳م) دیده از جهان فرو بست. (نک به: طه حسین ادیب بزرگ عرب. حسن نجفی www.tebyan.net)

۲ - اسلوب: مفهوم سبک یا اسلوب مانند بسیاری از مفاهیم دیگر مثلاً «وجود» بدیهی است، اما تعریف جامع و مانع آن دشوار است. به‌طور کلی می‌توان گفت که سبک،

وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار فردی است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ص ۱۳-۱۴). دکتر فتوحی معتقد است، سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲). به بیانی دیگر سبک شناسی دانش جدیدی است که به بررسی و تحلیل اسالیب ادبی و لغوی و همچنین به بررسی صورت فنی با استفاده از دلالت‌ها و معانی می‌پردازد (عیاد، ۱۹۸۱: ۱۴، ۱۳). از نگاهی دیگر سبک شناسی به بررسی متن ادبی و زیبایی‌ها و ویژگی‌های عاطفی آن می‌پردازد که در آن به زبان اهمیت بیشتری داده می‌شود (عبدالمطلب، ۱۹۸۴: ۶؛ عیاد، ۱۹۸۱: ۱۴، ۱۳) و در نهایت سبک شناسی یا اسلوب چیزی غیر از واژگان و ترکیب های بیانی است و منظور از آن راه و روشی است که نویسنده، برای بیان واژگان و ترکیب‌های کلامی خود از آن بهره می‌گیرد با این تعریف راز اختلاف شیوه‌های بیانی و کلامی میان نویسندگان از همدیگر متمایز می‌شود. (زرقانی، بدون تا، ج ۲ ص ۳۰۴)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آدهم، اسماعیل أحمد (۱۹۸۵ م). آداب معاصرون (جزءان). تح: أحمد إبراهيم الهواری. دار المعارف.
۳. حسین طه (۱۱۱۹ م). الابام. ط: ۵۵. قاهره، دار المعارف.
۴. زرقانی، محمد علی العظیم (بدون تا)، مناهل القرآن فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب البنانی.
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸ ش). کلیات سبک‌شناسی، چاپ ۵. تهران: انتشارات فردوس.
۶. ضیف، شوقی (۱۹۷۱ م). الأدب العربی فی مصر. ط: ۴. القاهرة: دار المعارف.
۷. طه حسین ادیب بزرگ عرب. حسن نجفی www.tebyan.net

-
۸. فتوحی، محمود (۱۳۹۰ ش): سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن
۹. الکاشف، محمد الصادق (۱۹۸۷ م). طه حسین بصیرا. ط: ۱. القاهرة: مكتبة الخانجي.
۱۰. الکیانی، محمد سید (۱۹۶۲ م). طه حسین الشاعر الکاتب. الدار

القومية